

Investigating the unity or duality of the penal system in the context of legislative criminal policy

Abstract

The introduction of the philosophical concept of "algebra" into the field of criminal law due to the changes resulting from the school of research along with "authority" led to "punishment" as the most traditional type of guarantee of criminal execution, "social defense measures" and "measures". "Security" should also be included in the vocabulary of this field of law as one of the new facilities of criminal law. This challenge, which was accompanied by a spark of political opinion, created a difference in the choice of the type of criminal response, which is later referred to as the "unity of the penal system" and the "duality of the penal system." In the legislative sphere, in the Islamic Penal Code of 1392, the legislator, on the one hand, by repealing the Law on Security and Educational Measures of 1339 and allocating these measures to the crimes of children, adolescents and the free, and on the other hand, expanding additional punishments that sometimes have the nature of security measures. Has complied with the procedure of the French Penal Code 2005. This action has created the scandal of creating a unified penal system and related criminal policy; This means that the legislature has placed criminals under a system of punishment by limiting the scope of security measures to control them. The issue is different in the penitentiary system, which allows the reaction against criminal talent. Depending on the act, the degree of severity, the heinousness and the manner in which it was committed, the judge will determine the degree of danger and criminal talent of the perpetrator and will not necessarily use precautionary measures in return for this situation; Instead, in exchange for criminal talent, it may provide security and training measures and may impose punishment. Punishment can be for our dangerous state, our criminal talent and our criminal capacity. In the meantime, the belief in the guarantee of executions in the form of punishment, but with the nature of security that is observed in the current criminal law, indicates the risk management of criminals that can be seen in neoconservative ideas in criminal law and try to neutralize Or disabling criminals through this new criminal policy.

Keywords: unity of the penal system, duality of the penal system, punishment, security measures, legislative criminal policy

بررسی همدلی یا دوگانگی سیستم مجازات در بستر سیاست جنایی تقنینی

علی نجیبیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

محمدهادی صادقی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

فضل الله فروغی^۳

شهرام ابراهیمی^۴

چکیده

ورود مفهوم فلسفی «جبر» به عرصه حقوق کیفری به واسطه تحولات ناشی از مکتب تحقیقی در کنار «اختیار» سبب شد تا به موازات «تادیب» به عنوان سستی‌ترین نوع ضمانت اجرای تادیب، «تدابیر دفاع اجتماعی» و «اقدامات امنیتی» نیز به عنوان یکی از تاسیسات نوین حقوق کیفری به واژگان این حوزه حقوق وارد شود. این چالش که با چاشنی عقاید سیاسی همراه بود، اختلافی را در گزینش نوع پاسخ تادیب ایجاد کرد که بعدها از آن با نام «همدلی نظام تادیب» و «دوگانگی نظام تادیب» یاد می‌شود. در فضای تقنینی، در قانون تادیب اسلامی ۱۳۹۲، قانونگذار از یک سو با نسخ قانون اقدامات امنیتی و تربیتی ۱۳۳۹ و اختصاص این تدابیر به جرائم کودکان و نوجوانان و مجانین و از سوی دیگر بسط و توسعه تادیب‌های تکمیلی که گاهی ماهیت اقدامات امنیتی دارند، از رویه‌ی قانون تادیب ۲۰۰۵ فرانسه تبعیت نموده است. این اقدام شائبه ایجاد نظام واحد تادیب و سیاست جنایی مرتبط با آنرا ایجاد کرده است؛ بدان معنا که قانونگذار با محدود نمودن دایره اقدامات امنیتی با هدف کنترل مجرمین، آن‌ها را تحت نظام تادیب‌ها قرار داده است. در نظام تعزیرات نیز که موجب جواز واکنش در قبال استعداد جنایی است، موضوع متفاوت است. قاضی با توجه به عمل، درجه وخامت، شنیع بودن و نحوه ارتکاب آن، پی به میزان خطرناکی و استعداد جنایی مرتکب جرم می‌برد و بعنوان مابه‌ازاء برای این وضعیت، لزوماً از اقدامات امنیتی استفاده نخواهد کرد؛ بلکه در ازاء استعداد جنایی ممکن است اقدام امنیتی و تربیتی و ممکن است تادیب را مورد حکم قرار دهد. تادیب می‌تواند ما به ازای حالت خطرناکی و وجود استعداد جنایی و ظرفیت مجرمانه باشد. در این میان، اعتقاد به ضمانت‌اجراهایی به شکل تادیب اما با ماهیت امنیتی که در قوانین کیفری کنونی مشاهده می‌شود، حکایت از مدیریت ریسک مجرمینی می‌باشد که در اندیشه‌های نومحافظه‌کار در حقوق کیفری قابل مشاهده است و سعی در خنثی‌سازی یا ناتوان‌سازی مجرمین از رهگذر این سیاست کیفری نوین می‌باشد.

واژگان کلیدی: همدلی نظام تادیب- دوگانگی نظام تادیب- تادیب- اقدامات امنیتی- سیاست جنایی تقنینی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز، ایران^۱

دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ایران^۲

دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ایران^۳

دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، ایران^۴

ورود جرم شناسی و آموزه‌های آن به قلمروی حقوق کیفری سبب شد تا مفاهیمی همچون «حالت خطرناک» و «اقدامات امنیتی» نیز با این علم وارد در حقوق کیفری شده و آموزه‌های آن را با خود دستخوش تغییر نمایند. ریشه‌ی چنین تفکری را می‌توان در اندیشه‌های فرانسیس بیکن، سن سیمون، آگوست گنت و دورکیم مشاهده کرد که تعمیم پدیده‌های طبیعی به پدیده‌های اجتماعی از خصوصیات بارز این تفکر است. (پیکا، ۱۳۹۳؛ ۴۷) این نقطه نظر سبب ایجاد کنش‌هایی در عرصه حقوقی به ویژه حقوق کیفری در اروپا شد که در اندیشه‌های مکتب اثباتی حقوق کیفری و اندیشمندانی همچون: لومبروزو، گاروفالو و فری، متبلور شد. (Digneffe, 2008:310) فرگشت مزبور در حوزه نظری باقی نماند، بلکه در قوانین کیفری اروپایی نیز جلوه عملی به خود گرفت؛ در مجموعه‌ی قانون تادیب ایتالیا که دارای صبغه فاشیستی بود، طرحی به اجرا گذاشته شد که در آن برخلاف مجموعه قوانین پیشین که تنها وضعیت و موقعیت اخلاقی فرد را لحاظ کرده بود، تدابیر دیگری که منافع اجتماعی را تضمین می‌نمود، تعبیه شد و به گونه‌ای نظام دوگانه‌ای را بدین شکل ایجاد نمود. «آلفردو روکو» (وزیر دادگستری موسلینی) تلاش در جهت آشتی دادن اصول مکاتب کلاسیک حقوق کیفری با مکتب اثباتی داشت؛ (Collin, 1921:149) از یک سو ایده انسان آزاد و مسئولیتی که به واسطه آن می‌بایستی با تدابیر تنبیهی تادیب شود، مدنظر قرار گرفت و از سوی دیگر اوصاف فرد خطرناکی که با پاره‌ای از عوامل محیطی و اجتماعی، آسیب شناختی احاطه شده و برای کنترل او ناچار بایستی از تدابیر امنیتی استفاده شود. مطمح نظر قرار گرفت. (Mormando, 2002: 199) نتیجه، همان‌گونه که فرانتس فون لیست نیز بدان اشاره داشت، (Battaglini, 1933:278) ایجاد نظام پاسخ‌دهی متمایزی بود که در آن، ضمانت اجرای واحد کافی نبود و به اهداف مختلفی مانند سزادهی، پیشگیری عام و پیشگیری خاص جرم نظر داشت.

در اسپانیا نیز و بعد از جنگ‌های داخلی که ۳ سال به طول انجامید و به پیروزی ژنرال فرانکو منجر شد، حکومت فاشیستی در این کشور روی کار آمد که با سرلوحه قرار دادن مبانی رویکرد اثباتی و مفهوم «تدابیر دفاع اجتماعی» مبادرت به تبعید مخالفان - که اکثراً جمهوری خواهان درگیر با وی بودند - به مستعمرات و اجبار آن‌ها به کار در اردوگاه‌های کار اجباری نمود. این مهم منبعت از قوانین کیفری سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۳۱ در این کشور بود. (Preston, 2006:309) در اتحادیه جماهیر شوروی سابق نیز بعد از جنگ جهانی اول گفتگو در باب نحوه مقابله با بزهکارانی که مرتکب تکرار جرم می‌شدند، یکی از مهمترین موضوعات بود که باعث شد توسل به تادیب‌های نامعین و اقدامات امنیتی در قوانین کیفری این کشور به سال ۱۹۲۷ و با هدف دفاع اجتماعی (موضوع دیدگاه‌های فون لیست و فان هامل) تصویب و به اجرا درآید. (Tiago Pires, 2015:87)

در این میان نیز نقش مفهوم حالت خطرناک به عنوان اهرمی کلیدی ایفای نقش نمود. به گونه‌ای که نه تنها بتوان به مقابله با افراد «بزهکار» پرداخت، بلکه افراد «ناکرده بزه» ای که ممکن است با توجه به شرایط خاص (اعم از این که مسئول باشند یا نباشند) به دلیل «حالت خطرناکی» که دارند، موضوع تدابیری قرار گیرند که عنوان (تدابیر دفاع اجتماعی) یا (اقدامات امنیتی و تربیتی) به خود برگرفته است. (پرادل، ۱۳۹۱؛ ۶۵) بدین سان به موازات «تادیب» به عنوان کهن‌ترین گونه پاسخ به بزه که با اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی بر بزهکار با اهدافی همچون سرکوب، تنبیه یا اصلاح اعمال می‌شد، «اقدامات امنیتی و تربیتی» به عنوان پاسخی جدید در قبال رفتار فرد اعم از این که دارای مسئولیت و اراده آزاد بوده یا نبوده باشد، ظهور نمود که داعیه جایگزینی تادیب‌ها را داشته و با هدف پیشگیری و اصلاح «فرد خطرناک» اعمال می‌شوند. (Punigov, 2007:289)

نمونه‌های مشابهی از ضمانت اجرای کیفری در فقه اسلامی نیز قابل مشاهده است که به زعم حقوقدانان آن‌ها را می‌توان دارای کارکرد مشابه با اهداف و کارکردهای اقدامات امنیتی دانست. مفاهیمی همچون «اصرار بر گناه» که حکایت از خطرناکی مرتکب و «تجری» که دلالت بر پتانسیل مرتکب رفتار در انجام رفتارهای مجرمانه می‌باشد، نمونه‌ای از سیاست کیفری اسلام در قبال رفتارهای مجرمانه قلمداد نمود که به گونه‌ای رویکرد همدلی یا دوگانه نظام تادیب را ترسیم می‌نماید. (صادقی، ۱۳۷۳: ۴۹۱) شارع مقدس اسلام در مواضع مختلفی احکامی که واجد وصف امنیتی و تربیتی است را در خصوص افراد به کار برده است؛ این موضوع نشان دهنده ریشه‌دار بودن این مفاهیم در حقوق اسلامی و منابع معتبر فقهی است. (رهامی، ۱۳۷۹: ۹۵) از جمله این تدابیر می‌توان به «نگهداری بزهکار در محل مخصوص»؛ «انتشار حکم» و... اشاره نمود. (پیروانی، ۱۳۹۲: ۲۴)

در این مقاله، هستار شناسی مفهوم همدلی یا دوگانگی نظام تادیب در نظام‌های حقوق کیفری و تاثیر آن بر سیاست جنایی تقنینی موضوع بحث است. نگاه و رویکرد نوینی که در قانونگذاری کشورهای مختلف من جمله فرانسه و ایران صورت پذیرفته، مفهوم جدیدی از این موضوع به ظاهر حل شده در اتخاذ تادیب‌ها یا اقدامات امنیتی را نشان می‌دهد که بار دیگر آن را به بحث محافل حقوق کیفری تبدیل کرده است. آثار پیشین حول محور این موضوع به شیوه‌ای سنتی ساختارهای تادیب‌ها و اقدامات امنیتی را به بحث گذاشته و بسادگی از کنار این موضوع گذشته‌اند. در این مقاله، سعی شده تا خلأ موجود در این حوزه با توجه به نگرش جدید قانونگذار به نظام ضمانت اجرای کیفری مرتفع شده است. به همین منظور نخست مقصود از همدلی و دوگانگی نظام تادیب را تبیین می‌نمایم، سپس به مبانی، کارکردها و انتقادات وارده و بازتاب این نظریه در قوانین ایران و فرانسه مورد اشاره قرار می‌گرفته است و پس از سنجش مطلوب در باب نظام تادیب مورد گزینش قرار می‌گرفته است.

۱- نظام‌های اجرای تادیب‌ها و اقدامات امنیتی

۱-سوره انبیاء آیه ۱۰۹.

۲-سوره نور آیه ۲.

رابطه‌ای که از لحاظ تاریخی میان تادیب‌ها و اقدامات امنیتی وجود داشته است و نیز گفتمان‌های پیرامون دکترین و نصوص قانونی، بین این دو تاسیس حقوق کیفری با توجه به ماهیت و ریشه هر یک، سبب ظهور نظام‌های متفاوت در مقام اجرای واکنش‌های تادیب شده است که از آن با عنوان نظام «همدلی» و «دوگانگی» یاد می‌شود. به دیگر سخن، با توجه به تفاوت‌هایی که میان تادیب‌ها و اقدامات امنیتی وجود می‌باشد، این سوال پیش می‌آید که آیا باید تادیب‌ها و اقدامات امنیتی را در یک نظام تادیب واحد به کار بست یا شایسته است دو نظام مستقل از هم برای تادیب‌ها و اقدامات امنیتی وجود داشته باشد.

گروهی از حقوقدانان بر این باورند که نظام تادیب باید تنها از تدابیر امنیتی برای مقابله با مجرم و تأمین هدف-های سودمند اجتماعی استفاده کند. عقیده این عده به نظریه‌ی همدلی نظام تادیب معروف شده است. به عکس عده‌ای معتقدند که کنار گذاشتن تادیب‌ها از نظام‌های تادیب غیر ممکن است و باید تدابیر امنیتی را به موازات و به منظور تکمیل اثر تادیب‌ها مورد استفاده قرار داد. نظر این عده به عنوان نظریه دوگانگی نظام تادیب معروف است؛ یا این که می‌توان ترکیب و تلفیقی از هر دو ضمانت اجرای تادیب را ابتدا با محوریت اقدامات امنیتی و سپس در صورت ناکارآمدی آن، از تادیب استفاده نمود که به نظام ترکیبی یا التقاطی مشهور است. (صانعی، ۱۳۸۸: ۶۴۴)

۲- نظام همدلی یا یگانگی ضمانت اجرای تادیب

بسیاری از علمای حقوق جزا معتقدند که تادیب‌ها و اقدامات امنیتی باید تحت نظام واحد و مشترک تادیب مورد استفاده قرار گرفته است. به عقیده این دسته که در واقع اکثریت حقوقدانان را تشکیل می‌دهند، در صورتی که یکی از اهداف تادیب‌ها آن باشد که در طول مدت زندان مجرم را مجدداً و به نحوی بهتر با محیط اجتماعی سازگار سازد، در این صورت تفکیک تادیب‌ها و اقدامات امنیتی سالب آزادی غیر اصولی و غیرواقعی خواهد بود. از طرف دیگر این دسته از حقوقدانان بر این باورند که با اتکای به نظام تادیب واحد، مشکل پیچیده «جبر یا آزاد بودن اراده در بزهکاری» اهمیت و فایده عملی خود را از دست خواهد داد. در عین حال با قبول این نظریه، گاه مشکلاتی از نظر اجرای تادیب‌ها و اقدامات امنیتی در آن واحد، پیش می‌آید؛ زیرا تحمیل این دو نوع واکنش اجتماعی در زمان واحد همیشه ممکن نیست. (صانعی، ۱۳۸۸: ۶۴۶) لذا، بر اساس این باور، پیشنهاد می‌شود تا به صورت مشترک از هر دو پاسخ مزبور استفاده شود. برای مثال ضبط و مصادره اموال در هر دو دسته‌ی تادیب و اقدامات امنیتی و تربیتی قرار می‌گیرند. این رویکرد را می‌توان در مشی قانونگذار فرانسه در قانون تادیب مصوب ۱۹۹۲ با حذف اصطلاح اقدامات امنیتی مشاهده نمود که بر اساس آن هیچ گونه تفکیکی بین تادیب‌ها و اقدامات امنیتی قائل نشده است و بدین ترتیب نظام ضمانت اجرای واحد را برقرار ساخته است. (Robert, 1993:241) این رویه در قانون تادیب مصوب ۲۰۰۵ نیز مورد حمایت قانونگذار فرانسه قرار گرفته است. در همه موارد باید از دوگانگی تادیب و اقدامات امنیتی-که عملاً در نظام‌های تادیب جدید به طور روزافزون تخفیف پیدا می‌کند-

احتراز کرد. مارک آنسل به عنوان یکی از پایه گذاران مکتب دفاع اجتماعی جدید، چنین اظهار عقیده می‌کند که به جای نظام دوگانه موجود، باید از نظام واحد «اقدامات دفاع اجتماعی» استفاده شود. به عقیده او:

«تبدیل تادیب به اقدامات امنیتی، نه به علت نظریات حقوقی یا سهولت اداری، بلکه به علل زیستی، پزشکی، روانی یا جامعه‌شناسی یا به طور خلاصه به این علت که شخصیت مجرم مورد توجه قرار گرفته است، صورت خواهد گرفت...» (آنسل، ۱۳۷۰: ۶۵) در تاکید بر پذیرش نظام واحد تادیب، آنسل حتی بر این باور بود «اقدامات دفاع اجتماعی» باید جانشین دوگانگی فعلی شود: «از تادیب به اقدام امنیتی خواهند رفت؛ نه به جهت معیارهای قضایی یا سهولت اداری، بلکه به لحاظ توجه به شخصیت مجرم...» در دکتترین جدید دفاع اجتماعی، ادغام تادیب و اقدامات امنیتی در یک نظام ضمانت اجرای جزائی است، نه به معنای همدلی که با معیارهای جسمی، اجتماعی و اخلاقی هدایت شده و بر مبنای سیاست کیفری استوار است و در آن حقوق جزا اساساً وظیفه فنی در خدمت تضمین آزادی فردی را می‌باشند» (استفانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۱۹) از سوی دیگر دیدگاه اقلیت بر این رویکرد استوار است که صرفاً در خصوص بزهدکار از تادیب یا اقدامات امنیتی به صورت مجزا استفاده شود؛ موضوعی که ذیلاً بدان پرداخته خواهد شد.

۲-۱- نظام همدلی با یک پاسخ تادیب

مفهوم دیگری که در قالب نظام همدلی از آن یاد می‌شود، نظام همدلی پاسخ تادیب با اصیل تلقی نمودن یکی از واکنش‌های کیفری «تادیب‌ها» یا «اقدامات امنیتی» یا ترکیبی از هر دو ضمانت اجرا در قالب یک ضمانت اجرای واحد است؛ بدون آن که بتوان برای این ضمانت اجراها، مشابهت یا همدلی در هدف قائل بود. این رژیم در قبال رفتارهای مجرمانه و مصادیق کژروی یا صرفاً از تادیب استفاده می‌کند یا متوسل به اقدامات امنیتی می‌شود و یا ترکیبی از هر دو ضمانت اجرا را در قالب یک پاسخ تادیب (تادیب‌های تکمیلی) مورد استفاده قرار می‌دهد. بازتاب این نگرش در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱-۱- اصالت تادیب‌ها

پیش از مطرح شدن اصطلاح «اقدامات امنیتی و تربیتی»، تادیب‌ها تنها اهرم و ابزاری بودند که برای مقابله با پدیده بزهدکاری در حقوق عرفی تا قرن ۱۹ میلادی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. دانشمندانی همانند «کانت» و «هگل» که با عقاید خود تحولی عمیق در نظام تادیب غرب بوجود آورده بودند، همگی از تادیب‌ها به عنوان یگانه ابزاری که با خود عدالت و نظم اجتماعی را به ارمغان خواهد می‌آورد، یاد کرده‌اند. (Brooks, 2004: 113) دیدگاه‌های غالب در این مکتب که فلسفه تادیب و مشروعیت آن را در گرو «منفعت اجتماعی» و «عدالت» می‌داند (Knowles, 2001: 125) و دیدگاه اورتولان در قالب این شعار که «معیار تادیب آن است که نه بیش از آنچه عدالت اقتضا می‌کند باشد و نه بیش از آنچه مصلحت اجتماعی می‌طلبد» همگی دلالت بر تمسک به تادیب-ها به عنوان یگانه پاسخ به رفتارهای ضد اجتماعی و مجرمانه می‌باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۶۵) این دیدگاه را می‌توان به عنوان قدیمی‌ترین و به تعبیری سنتی‌ترین نوع واکنش کیفری در قالب نظام ضمانت اجرا دانست.

انعکاس نوین این رویکرد را می‌توان در در کنگره یادبود قانون تادیب جدید ۱۹۹۲ که به صورت مشروح بیان شده است، مشاهده کرد. در این قانون صراحتاً بیان شده است: «به منظور ساده سازی، تمام ضمانت اجرای تادیب در یک دسته بندی قرار می‌گیرند که عبارت است از تادیب‌ها... از این پس، تمام ضمانت اجرای تادیب بدون تمایز تادیب محسوب می‌شدند؛ علاوه بر این، این ضمانت اجراها (تادیب‌ها) نسبت به محکومین دارای شرایط یکسانی هستند». عبارات استفاده شده درون پرانتز در این جمله اهمیت فراوانی دارند. تهیه کنندگان پیش نویس قانون تادیب با قدرت، تمامی دیدگاه‌های ضمانت اجرای تادیب جدید را رد نموده و در مناقشات موجود میان دکتین، موضع مطلوبشان تقابل میان تادیب‌ها و اقدامات امنیتی با گفتمان حذف این اقدامات بوده است. به نظر می‌رسد عبارت «زین پس تمام ضمانت اجرای تادیب بدون تمایز تادیب محسوب می‌شوند» منبعث از منطبق عبارت «قانون تادیب مرکب از ماهیت تادیب‌ها است» باشد.^۲

۲-۱-۲- اصالت اقدامات امنیتی و دفاع اجتماعی

ظهور مکتب تحقیقی و طرح مفهوم «دفاع اجتماعی» را باید به عنوان یکی از مهمترین تحولات در عرصه پاسخ-های تادیب در قبال پدیده مجرمانه تلقی نمود. چرا که دفاع اجتماعی مفهومی است که در افکار و مکاتب مختلف کیفری از عصر روشنگری به این سو مطرح بوده است. اما مکاتب کلاسیک و تحقیقی هر یک با برداشتی تک بُعدی از جرم به عنوان پدیده‌ای فردی، چنین دفاعی را در قالب تنبیه مرتکب براساس شدت جرم ارتكابی یا به صورت درمان بزه‌کار و در شکل اقدامات امنیتی مبتنی بر حالت خطرناک وی ترسیم نمودند. در حالی که مبنای بیش‌اول، آزادی مطلق اراده و در نتیجه امکان تاثیرگذاری بر آن و بر مجرمیت از طریق اعمال کیفر معین و ثابت است، در دیدگاه دوم جرم نتیجه نوعی جبر است و تنها راه مقابله با آن قرار دادن بزه‌کار تحت یک فرایند درمانی و امنیتی غالباً نامعین است تا زمانی که از بهبود فرد اطمینان حاصل شده است. (نوربها، ۱۳۹۱: ۱۱۹)

در مکتب تحقیقی فرد به پای جامعه قربانی می‌شود؛ چون حذف و طرد محکوم در همه موارد ممکن نیست یا خلاف اصول کلی و پذیرفته شده انسانی و حقوقی است؛ لذا برای رسیدن به این هدف به جای تادیب دوگانه (یعنی تادیب و اقدام امنیتی) که ناشی از دو طرز تفکر کلاسیک‌ها و اثباتیون بود، پیشنهاد شد تمام اقدامات علیه ارتکاب جرم را تحت عنوانی واحد یعنی «اقدامات دفاع اجتماعی» نام‌گذاری و متمرکز کنند. (بولک، ۱۳۹۱: ۵۱)

^۱R. Badinter, *Projet du nouveau Code pénal*, présentation du projet, éd. Dalloz, 1988, p. 18 ; cited in : Henrion, H. (2002). La loi du 15 juin 2000 assure-t-elle l'équilibre nécessaire entre les droits et devoirs de l'Etat, de la personne mise en cause et de la victime? *Archives de politique criminelle*, (1), 81-121.

^۲ R. Badinter, *Projet du nouveau Code pénal, préc., op. cit.*, p. 17;

اعمال این اقدامات نبایستی به گونه ای باشد که فاصله‌ای میان جامعه و شخص مرتکب ایجاد شود و به اصطلاح فرد را جامعه‌گریز یا جامعه‌ستیز نماید. اندیشه غالب در بین اندیشمندان علوم جنایی بر این امر استوار بود که اگر چه برای پیشگیری از جرم و در نتیجه کاهش جرایم ارائه راه‌حل‌های مفید و موثر حتی در قالب واکنش کیفری گریزناپذیر است، اما چنین واکنشی لازم است، حتی الامکان با کرامت انسان سازگاری داشته و از منطقی علمی و قابل دفاع و هماهنگ با معیارهای روز برخوردار باشد. در این مفهوم تادیب به عنوان شیوه سنتی پاسخ تادیب در قبال پدیده مجرمانه جایگاهی نمی باشد، بلکه آن چه در این دیدگاه دارای محوریت است «تدابیر دفاع اجتماعی» در مفهوم اعم آن در قالب اقدامات امنیتی است.

بازتاب این نگرش را می‌توان در اصلاح قانون تادیب ۱۸۱۰ فرانسه که یکی از کارهای سخت، طولانی و طاقت فرسا بوده است، مشاهده نمود. ^۱پیش نویس اولیه ۱۹۷۶ و پیش نویس به اصطلاح «نهایی» ۱۹۷۸، مفهوم جدیدی از ضمانت اجرا را ارائه نمود. ^۲آخنتی بودن این مفهوم عام، سبب ورود مفهوم سنتی تادیب‌ها به واسطه اهداف سزاگرایانه و تدابیر امنیتی پیشگیرانه به مفهوم مزبور شد. بدین سان، این گونه به نظر می‌رسید که آمیختگی این دو ضمانت اجرا، به بسیاری از مناقشات دکتربین که مشکلات ناشی از همزیستی این دو ضمانت اجرا را خاطر نشان می‌ساختند، پایان داده است. ^۳علاوه بر این، واژه «ضمانت اجرا» به نظر می‌رسد ارتباط بسیار نزدیکی تری به آموزه‌های ملهم از دفاع اجتماعی جدید داشته باشد تا تادیب‌ها. بنابراین، نظام واحدی که از این ضمانت اجرای جدید منبث می‌شده است، به تدریج مورد بحث قرار گرفت و بر مفهوم سنتی تادیب اولویت پیدا نموده و سرانجام بر این ضمانت اجرا در پیش نویس اولیه قانون تادیب ۱۹۸۶ ترجیح داده شد. ^۴

۲-۲- نظام همدلی مبتنی بر همزیستی

^۱ F. Desportes et F. Le Gunehec, *Droit pénal général, op. cit.*, n° 86, p. 44.

^۲ Commission de révision du Code pénal, *Avant-projet définitif de Code pénal, Livre 1, Dispositions générales*, La Documentation française, 1978, 169 p., p. 11 et pp. 54-55. Cited in: Guérin-Bargues, C. (2019). Les nouveaux rapports entre pouvoirs à l'aune des affaires Fillon et Benalla: vers une multiplication des contrôles? *Titre VII*, (2), 24-33.

^۳ G. Roujou De Boubee, J. Francillon, B. Bouloc et Y. Mayaud, *Code pénal commenté*, Dalloz, ۱۹۹۶, p. ۳۷. ^۴COHEN, C., & MATSOPOULOU, H. Le délit de risques causés à autrui de l'article 223-1 du Code pénal.

^۵ M. Imbert-Quaretta, « La sanction pénale dans l'avant-projet du Code pénal », *Arch. Pol. Crim.* 1984, pp. 67-69. Cited in : Mazeaud, P. (2009). *Propositions de réforme de la législation sur le financement des campagnes électorales pour les élections législatives*. Paris: La Documentation française.

مدافع اصلی نظام همدلی، مکتب اثباتی ایتالیایی است. باور این مکتب بر این حقیقت استوار است که تفاوتی میان تادیب‌ها و اقدامات امنیتی وجود نمی‌باشد و به واقع اقدامات امنیتی همان هدفی را دنبال می‌نماید که دفاع اجتماعی به دنبال آن است. اقدامات امنیتی محدودسازی و تعلیق حقوقی که پیشگیری از جرایم و بازسازی اجتماعی بزهکار در نظام کیفری را مدنظر قرار داده، سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. این طرز تلقی، همان همدلی تادیب‌ها و اقدامات امنیتی در مفهومی است که آنریکو فری به آن اشاره می‌باشد. (Rodríguez et.al, 2006:502) میگل پولاینو ناوارت استاد برجسته حقوق کیفری، نظام همدلی را ترکیب ضمانت اجرای کیفری در قالب تادیب‌ها و اقدامات امنیتی می‌داند که به موجب آن شخص بزهکار به واسطه نقض اصول هنجاری با آن مواجه می‌شود. به واقع، دلیل اینکه تادیب به عنوان یکی از انواع تنبیهات سزادهنده در قبال جرم ارتكابی محسوب می‌شود، ارتكاب رفتاری است که سبب بروز خسارت به دیگری می‌شده است، سوای این که از لحاظ کیفری مسئول باشد یا خیر. (Navarrete, 2004:101)

همچنین از دیدگاه بورخا ماپلی کافارنا^۲ نظام همدلی قصد می‌باشد تا تادیب‌ها را از رهگذر تضمین موجود در اقدامات امنیتی و قدرت اجرایی نهادهای قضایی با تحمیل ضمانت اجرایی که جنبه پیشگیرانه تادیب‌ها را نیز با خود می‌باشد، مهیا نماید. از این منظر نه تنها طول مدت اقدامات امنیتی بلکه موضوع آن نیز نامعین می‌باشد. هر دوی این شرایط، بستگی به شدت جرم ارتكابی نمی‌باشد، بلکه به شخصیت مرتکب جرم و فرایند تحولی اجرای آن نیز وابسته است. (Mapelli Caffarena, 2011:361)

از آن چه بالا بدان اشاره نمود، می‌توان نتیجه گرفت که نظام همدلی با مدنظر قراردادن هر دو ضمانت اجرای تادیب، از دیدگاه‌های مکتب دفاع اجتماعی نوین نشأت می‌گرفته است؛ جایی که رفتار مجرمانه بزهکار ریشه در شخصیت زیست شناختی و انسان شناختی از یک سو و تلاش در جهت شناخت شخصیت وی و پاسخ مناسب تادیب با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و نوع جرم ارتكابی وی می‌باشد.

۳- نظام دوگانه تادیب

در حالی که طرفداران مکاتب کلاسیک حقوق کیفری از تادیب‌ها دفاع می‌کردند، مکتب تحقیقی گرایش به استفاده از اقدامات امنیتی داشت. برای کسانی که از لحاظ زیستی و روانشناسی افرادی سالم تلقی می‌شدند، اراده آزاد با خود مسئولیت اخلاقی را به دنبال داشت و در این معنا و مفهوم تادیب‌ها در معنای خاص در لباس سزادهی بر آنها تحمیل می‌شد. از سوی دیگر، حقوق کیفری در مقابله با کسانی که اراده آزاد را انکار می‌کردند و به گونه‌ای سخن از جزمی‌گرایی در گفتمان آنها مطرح بود،

۱- Miguel Polaino Navarrete

۲- استاد بازنشسته حقوق کیفری و علوم جنایی دانشگاه سویا اسپانیا

۳- Borja Mapelli Caffarena

۴- استاد برجسته حقوق کیفری و علوم جنایی دانشگاه سویا اسپانیا

اقدامات امنیتی در قالب درمان را بهترین راهکار در جهت مسئول تلقی نمودن فرد در قبال جامعه محسوب می‌نمود. این رویکرد دوگانه و دو وجهی که در تلاش برای فائق آمدن بر تناقض میان سزادهی و پیشگیری بود، نقش‌های متفاوتی برای تادیب‌ها و اقدامات امنیتی در نظر گرفته بود و تأثیرات مستقیم خود را بر کد تادیب بسیاری از کشورهای اروپایی داشت. از لحاظ تاریخی، ریشه نظام دوگانه تادیب‌ها و اقدامات امنیتی را می‌توان در پیش نویس اولیه کد کیفری سویس توسط کارلوس استوس به سال ۱۸۹۳ میلادی مشاهده کرد. در این کد تادیب نتایج و ضمانت اجرای ارتکاب بزه به دو دسته تقسیم می‌شدند: نخست تادیب‌ها که مبتنی بر اصل تقصیر و مجرمیت بزهکار در حقوق کیفری بود و دوم، اقدامات امنیتی که بر مبنای حالت خطرناک مرتکب بزه کیفری است. در این رویکرد، تادیب به گذشته‌ی فرد مرتکب بزه توجه می‌باشد و اقدامات امنیتی به آینده وی. (Carbasse, ۲۰۱۴:۸۲)

دورادو^۱ به عنوان نخستین حقوقدان کیفری که اثبات‌گرایی را وارد در حقوق کیفری اسپانیا نموده، در کتاب خود با عنوان «حقوق کیفری حامی بزهکاران»^۲ این موضوع را این گونه بیان می‌می‌باشد: "مرسوم نیست به صورت اختصاصی تنها بر تادیب و یا بر اجرای صرف اقدامات امنیتی تأکید نمود؛ بلکه آن چه بدیهی است این که نظام‌های حقوق کیفری معاصر در مجموعه قوانین تادیب خود هم از تادیب‌ها و هم اقدامات امنیتی در چارچوب متناسب خود استفاده می‌کنند. شاید بتوان گفت که امروزه این دو مفهوم (تادیب‌ها و اقدامات امنیتی) به صورت خاص از ریشه‌های اصلی خویش فاصله گرفته‌اند و اندک اندک تادیب‌ها وصف سزادهی خویش را از دست داده و جای خود را به ملاحظات پیشگیرانه داده‌اند." از سوی دیگر، اقدامات امنیتی نیز گرایش به محدودیت بیشتر در اهداف و نیز طول زمان و به گونه‌ای از نامعین بودن خود فاصله گرفته‌اند. (Falcon, ۲۰۰۶:۲۱۴)

۳-۱- مبانی نظام دوگانه تادیب

میان تادیب‌ها و اقدامات امنیتی تفاوت اساسی وجود می‌باشد؛ این دیدگاه، مبنای فکری غالب دکترین، حامیان و طرفداران سرسخت نظام دوگانه تادیب است. در حالی که تادیب نسبت به بزهکار و افراد سزاوار سرزنش قابلیت اعمال را می‌باشد، تقصیر، پیش فرض اعمال آن است؛ حال آن‌که اقدامات امنیتی برای مبارزه با حالت خطرناک فرد است، بی آن‌که فرد ضرورتاً مرتکب جرمی شده باشد. بنابراین اگر تادیب مبنایی اخلاقی می‌باشد، (Schmelck, 1965:183) اقدامات امنیتی فایده‌گرا بوده و از هرگونه صبغه اخلاقی مبری است. از آن-جائیکه تادیب‌ها منوط به ارتکاب جرم هستند، لذا اساساً ناظر به گذشته می‌باشد؛ حال آن‌که اقدامات امنیتی لزوماً با هدف مدیریت حالت خطرناک بازگرداندن وی به جامعه اعمال می‌شوند (Jimenez De Asua, 1954:34) و ناظر به آینده هستند. بنابراین اجرای اقدامات امنیتی نه منوط به وجود تقصیر و نه مجرمیت فردند. (Merle

^۱ Dorado

^۲ Derecho Penal protector de los criminales

et.al,1997:82) این تمایز بنیادین اساساً مبین چارچوب ثابت اختلاف میان این دو ضمانت اجرای تادیب می- باشد. به همین منوال، کارکرد نسبی تادیب‌ها به وضوح از اقدامات امنیتی متفاوت می‌باشد به گونه‌ای که شملک بیان می‌می‌باشد: «هر دو ضمانت اجرا مدعی اصول راهبر یکسانی هستند که آن اصول عبارتند از: پیشگیری از تکرار جرم و دست یازیدن به ابزارهای مشابه که همان بازپروری و بازسازی اجتماعی می‌باشد» (Merle et.al,1997:829)

۳-۲- کارکرد نظام دوگانه

کارکردهای متنوع نظام همدلی و دوگانه نظام تادیب در مورد تادیب‌ها و اقدامات امنیتی به یقین یکی از مهمترین موضوعات گفتمانی است که رابطه میان دو ضمانت اجرا را ارزیابی می‌نماید. حامیان نظام همدلی نظام تادیب بر همزیستی این دو ضمانت اجرا برای توجیه این ترکیب (تادیب و اقدامات امنیتی) و وابستگی جدایی ناپذیر مفهوم تادیب و اقدامات امنیتی تاکید می‌کنند. از سوی دیگر، از نقطه نظر مخالفان نظام همدلی و قائلین به نظام دوگانه تادیب که باور به تمایز میان تادیب‌ها و اقدامات امنیتی دارند، ارتباط نسبی این کارکردها و این که هر یک می- بایستی در موارد خاص خود اعمال شوند، مهمترین استدلال‌های پذیرش رویکرد دوگانه محسوب می‌شود.

۳-۳- انتقادات وارده بر نظام دوگانه

در حقیقت، نظام دوگانه از تمایز میان تادیب‌ها و اقدامات امنیتی سخن به میان می‌آورد و این که هر دو این تاسیسات می‌بایستی در چارچوب یک نظم کیفری خاص در راستای اجرای عدالت و مواجهه با حالت خطرناک بزهکار به کار گرفته شوند. از منظر نظام دوگانه، اجرای اقدامات امنیتی زمانی امکان پذیر است که محکوم تادیب خود را تحمل نموده است؛ اما با این حال به واسطه این که دارای حالت خطرناک است، برای رفع خطرناکی هنوز هم نیاز به اجرای این اقدامات باشد. این طرز تفکر سبب انتقادات شدیدی به نظام دوگانه به ویژه در مواردی شده است که مجرم دیگر خطرناک نبوده و خطرناکی وی مرتفع شود؛ این در حالی است که اقدامات امنیتی بایستی در خصوص فردی اعمال شود که مرتکب رفتار سزاوار تنبیه یا نظارت و مراقبت بوده است که در صورت فقدان این شرایط و رفع حالت خطرناک، اعمال این اقدامات فاقد وجاهت عقلی و منطقی است. در این صورت آیا اعمال اقدامات مزبور قابل توجیه است؟ در این مورد می‌توان گفت محکوم، قربانی عقاید دوگماتیک و جزمی حقوق کیفری شده که وی را به عنوان متقلب و قانون شکن برچسب می‌زند و به این ترتیب ادامه تادیب در زندان یا اعمال اقدامات امنیتی در خصوص وی ادامه پیدا می‌کند یا حتی اقدامات امنیتی به جای تادیب در خصوص او اعمال خواهد شد. نقطه مقابل نیز ممکن است متصور شود و آن جائیست که تادیب اعمال نمی‌شود، ولی به جای آن اقدامات امنیتی با شدیدترین درجه و محرومیت از حقوق اساسی فرد همراه است و او به همان اندازه برچسب گناهکاری خواهد خورد. (Mapelli Caffarena, 2011:361)

انتقاد دیگری که به نظام دوگانه وارد می‌شود، جایی است که فرد تادیب شده بعد از تحمل تادیب می‌بایستی دوران اقدامات امنیتی را نیز سپری نماید، ولو این‌که دارای حالت خطرناک به واسطه ارتکاب جرم سابق نباشد و بدین ترتیب اصل پذیرفته شده «هیچکس را نمی‌توان برای یک جرم دو بار محاکمه کرد» در مورد وی نقض خواهد شد؛ چرا که فرد تادیب شده دوباره به واسطه ارتکاب همان جرم مورد تنبیه قرار می‌گرفته است. این موضوع، اصل اساسی پذیرفته شده‌ی حقوق کیفری را که در آن هیچ‌کس به خاطر نقض قوانین کیفری به واسطه یک عمل مجرمانه دوبار یا بیشتر مورد تادیب قرار نمی‌گرفته است، هدف قرار می‌دهد. (Cuello Contreras, ۱۹۹۶: ۱۰۷)

۳-۴- سنجه مطلوب در نظام پاسخ دهی تادیب

آنچه در حقوق کیفری در مواجهه با مصادیق بزهکاری و رفتارهای مجرمانه مورد بحث قرار می‌گرفته است، جستجو جهت یافتن راه حل‌هایی با هدف پیشگیری موثر از خطراتی است که بزهکاران ایجاد می‌نمایند. با این توصیف، این اقدامات در قبال بزهکارانی که بیم بازگشت به حالت خطرناک درباره آن‌ها منتفی یا حداقلی است، اتخاذ می‌شود. چارچوب اجرایی اقدامات مزبور گاهی اوقات خارج از چارچوب‌های نظام تادیب و به منظور بازگرداندن فرد به جامعه و کنترل آن‌ها تجویز می‌شود. نقطه مقابل این موضوع نیز صادق است، بایستی برای بزهکارانی که خطرناکی آن‌ها محرز است و با پاسخ‌های نظام عدالت کیفری مواجه شده‌اند، کارکرد تادیب‌ها برای پیشگیری از خطرناکی آن‌ها به صورت اصولی تطبیق و همسان سازی شود.

۳-۵- تاثیر نظام دوگانه بر قوانین تادیب

نظام دوگانه بر مبنای این واقعیت استوار است که هر دو شیوه مقابله با جرم (تادیب و اقدامات امنیتی) می‌بایستی به صورت مشترک و همزمان با لحاظ وضعیت فرد به مورد اجرا گذارده شود. در بعضی از کشورها از جمله فرانسه و سوئیس و ایتالیا اقدامات تامینی توأم با تادیب به مورد اجرا گذارده می‌شود؛ از لحاظ تاریخی، در فرانسه عنوان یکی از کشورهای معتقد به نظام دوگانه تادیب، مناقشات مرتبط با این موضوع تاثیر اندکی بر قانونگذار در قرن ۲۰ میلادی داشته است. تنها متون پراکنده اندکی در ارتباط با بزهکاری اطفال یا درمان حالت خطرناک در موارد خاص سخن از اقدامات امنیتی به میان آمده است. در حالی که قریب به اتفاق کشورهای اروپایی قوانین کیفری خود را برای جای دادن اقدامات امنیتی در خود اصلاح می‌کردند، قانونگذار کیفری فرانسه موضع سکوت اختیار کرده بود و میان تمایل در به رسمیت شناختن این اقدامات یا اتخاذ موضع محافظه کارانه مردد بود. تنها موضعی که تمایل واقعی قانونگذار به پذیرش نظام دوگانه تادیب به عنوان مبنای واکنش اجتماعی را می‌توان مشاهده نمود، پیش نویس اولیه اصلاح قانون تادیب فرانسه در سال ۱۹۳۴ است. (Magnol, 1934: ۲۴۶)

با گرت برداری از طبقه بندی که توسط قانون تادیب ایتالیا به سال ۱۹۳۰ انجام شد، در پیش نویس اولیه اصلاح قانون تادیب فرانسه، قانونگذار پیشنهاد «تقارن دسته ای از تادیب‌ها با اقدامات امنیتی» را برای تقسیم اقدامات امنیتی به اقدامات سالب

آزادی، محدود کننده آزادی و تدابیر امنیتی مالی یا حفاظتی ارائه داد. (Magnol, 1934: 225) هیچ پیگیری نسبت به این پروژه صورت نپذیرفت و در نتیجه پروژه‌ها علی رغم پیش نویس اولیه نظام دوگانه تادیب را به کناری نهادند. حال اگر تهیه کنندگان پیش نویس قانون تادیب ۱۹۹۲ نظام تادیب واحدی را که تمایزی میان تادیب‌ها و اقدامات امنیتی قائل نشده بودند، به صورت رسمی تصویب نمی‌کردند، این نظام دوگانه تادیب از حقوق کیفری فرانسه محو نمی‌شد. علاوه بر این، بالغ بر ۱۵ سال یا بیشتر، امکان بازگشت واقعی به اقدامات امنیتی برای قانونگذار کیفری فرانسه وجود داشت؛ جایی که دیگر برای قانونگذار آن حساسیت سابق برای استفاده از عبارت «اقدامات امنیتی» به مانند سابق برای پاره ای از ضمانت اجراهای خاص وجود نداشت و مناقشه برانگیز نبود.

تصویب قانون کیفری جدید فرانسه در سال ۲۰۰۵ و قانون آیین دادرسی کیفری ۲۰۰۸ تحول نوینی در بازبینی و نگرش نو به پاسخ‌های تادیب ایجاد شد. خواست و اراده سیاسی برای کاهش خطر تکرار جرم توسط تعدادی از بزهکاران خطرناک، منجر به استفاده قانونگذار تادیب از اقدامات امنیتی در زرادخانه سرکوبگر حقوق کیفری فرانسه و تثبیت دوباره آن شد. در قوانین متعددی که پیش روی مجلس قانونگذاری برای تصویب قرار گرفت، اقدامات امنیتی متعدد و متنوعی صراحتاً توسط قانونگذار تایید و مورد استفاده قرار گرفت. از جمله این قوانین می‌توان به قانون ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ اشاره نمود (Loi n° 2005-1549, 12 Décembre 2005) که نظام نظارت قضایی بر مجرمین خطرناک (ماده ۱۳ همان قانون) را ایجاد نمود و نظام نظارت الکترونیک را به عنوان یک اقدام امنیتی مجاز شمرد. (ماده ۱۹ همان قانون).

۴- برآمد

انتقادات وارده به تادیب‌ها به عنوان یگانه پاسخ تادیب نسبت به رفتار مجرمانه و این که ضمانت اجرای مزبور به تنهایی برای تمامی مصادیق اعمالی که نظم اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده و تهدید نموده کافی و مطلوب نیست، این امر سبب شد تا «اقدامات دفاع اجتماعی» و «اقدامات امنیتی» به عنوان ضمانت اجرای تادیب که بتواند این کمبود را در خصوص پاره ای از بزهکاران از جمله «کودکان»، «مجانین» و «افراد دارای حالت خطرناک» که آن‌ها را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار می‌دهد، ظهور و بروز نماید. در این میان نمی‌توان از نقش دیدگاه‌های سیاسی به ویژه رویکرد کشورهای با نظام حاکم فاشیستی و کمونیستی در راستای برچسب زنی و حذف و به حاشیه راندن مخالفان با توسل به ابزارهای حقوقی به سادگی گذشت. تاثیر چنین رویکردی را می‌توان در قوانین تادیب ایتالیا، آلمان، اسپانیا و شوروی سابق مشاهده نمود که در آن‌ها قانونگذار از این تاسیسات اقبال فراوانی نموده و آن را وارد زرادخانه کیفری خود نموده است.

نظام واحد تادیب را می‌توان به نظام پاسخ دهی تعبیر نمود که در آن، حسب رفتار مرتکب، یک پاسخ برای فرد در مظان ارتکاب جرم یا مرتکب آن می‌توان در نظر گرفت که با توجه به دیدگاه‌های موجود در این خصوص این پاسخ در گذشته دور در قالب «تادیب»، در سده گذشته در قالب «اقدامات امنیتی» و در عصر حاضر در قالب تادیب‌هایی که وصف پیشگیرانه نیز بدان‌ها اضافه شده (تادیب‌های تکمیلی، تمیمی و تبعی) با هدف نزدیک شدن به مفهوم اقدامات امنیتی و تامین این جنبه

از پاسخ تادیب به مصادیق رفتارهای مجرمانه و مخاطره آمیز برای جامعه که از نقایص تادیب‌ها تلقی می‌شود، تعبیه شده است. این نظام مبتنی بر صرف مسئولیت اخلاقی یا مسئولیت اجتماعی فرد بنا نهاده شده و در بسیاری از موارد ترکیب و تلفیقی از هر دو ضمانت اجرای کیفری را بهترین شیوه مقابله با بزهکاران می‌داند.

اجرای تادیب‌ها و اقدامات امنیتی از یک سو بر حسب این که ناظر به مجرم و تقصیر گذشته فرد است و از طرف دیگر، استعداد و ظرفیت جنایی وی بایستی در جهت توجیه پاسخ تادیب مطمح نظر باشد، نمی‌توانند تابع قواعد واحدی باشند. وقتی که ضرورت می‌باشد در مورد یک فرد به هر دو جنبه (سزای رفتار مجرمانه و استعداد جنایی) توجه کرد، باید برای هر کدام روش علی حده‌ی مناسبی به کار رود؛ برای نمونه تعلیق و عفو عمومی شامل اقدامات امنیتی نمی‌توانند باشند. یک قسمت از قواعد فنی قابل اجرا به تادیب‌ها فقط در صورت وجود تقصیر و یا برای اینکه محکومیت تادیب متضمن سرزنش اجتماعی است توجیه می‌شود؛ برعکس قسمت دیگر که در مورد اقدامات امنیتی اجرا می‌شوند، فقط به علت فقدان رنگ اخلاقی و کنترل ظرفیت جنایی وی قابل پذیرش است.

فهرست منابع

آنسل، مارک (۱۳۷۰)؛ **دفاع اجتماعی**. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)؛ **حقوق جزای عمومی**. جلد نخست، چاپ چهل و هشتم؛ تهران، نشر میزان.

استفانی، گاستون، ژرژ لوسور، برنار بولک (۱۳۸۳) **حقوق جزای عمومی، ضمانت اجرای: تادیبها و اقدامات امنیتی**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

بولک، برنار (۱۳۹۵) **کیفرشناسی**. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.

پرادل، ژان (۱۳۹۱) **تاریخ اندیشه های کیفری**. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، سمت؛ تهران.

پیکا، ژرژ (۱۳۹۳)؛ **جرم شناسی**. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.

راسخ، محمد (۱۳۸۴) **بنیاد نظری اصلاح نظام قانون گذاری**. چاپ اول، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

Ancel, M. (1981) "*La défense sociale nouvelle*", 3ème éd., Paris, éd. Cujas.

Bouloc, B. (2010), "*La politique pénale actuelle, fille de Lombroso?* " in Peine, dangerosité, quelles certitudes? Essais de philosophie pénale et de criminologie, vol. 9, Dalloz.

Bouloc, B. (2011) "*Droit de l'exécution des peines*", 4ème éd., Dalloz.

Cuello Contreras, Joaquin. (1996) "*El derecho penal español (curso de iniciación parte general nociones introductorias y teoría del delito)*". 2ª ed. Madrid, Ed. Civitas.

- Digneffe, F. (2008) "*L'école positive italienne et le mouvement de la défense sociale*", in Histoire des savoirs sur le crime et la peine, vol. 2, sous la dir. de Ch. Debuyst, F. Digneffe et Alvaro P. Pires, Larcier.
- Falcon Marra, J. and Fernando Falcon (2006) "*Fundamento y finalidad del castigo: ¿Un derecho a castigar?*" Translation by Dr. Peter Muckley; Madrid, Marcial Pons.
- Givanovitch, T. (1929), "*Les problèmes fondamentaux du droit criminel*", Librairie Arthur Rousseau, Paris.
- Grispigni, F. (1953) "*Le problème de l'unification des peines et des mesures de sûreté*", RID Pén.
- Jimenez De Asua, L. (1954) "*La mesure de sûreté. Sa nature et ses rapports avec la peine (considérations de droit comparé)*", RSC.
- Kant, I. (1996) "*The Metaphysics of Morals*", Translated and edited by Mary Gregor. Cambridge : Cambridge University Press.
- Knowles, D. (2001) "*Hegel on the Justification of Punishment*" In Beyond Liberalism and Communitarianism Studies in Hegel's Philosophy of Right, edited by Robert R. Williams. Albany : State University of New York Press.
- Magnol, J. (1934) "*L'avant-projet de révision du Code pénal français*" (Partie générale), rapport présenté à la Faculté de droit de Toulouse, Paris, Sirey.
- Mapelli Caffarena, Borja. (2011) "*Las consecuencias jurídicas del delito*". 5^a ed. Pamplona, Ed. Thomson Reuter.
- Mayaud, Y. (2012) "*Le droit pénal en perte de repères*", in La cohérence des châtements, Essais de philosophie pénale et de criminologie, vol. 10, Dalloz.
- Merle, R., A. Vitu, (1997) "*Traité de droit criminel – Problèmes généraux de la science criminelle, Droit pénal général*" – tome I, 7^{ème} éd., Cujas.
- Mormando, C. (2002) "*Commentario al codice penale*" in Marini, la Monica, Mazza (diretto da), Torino.
- Patin, M., (1948) "*La place des mesures de sûreté dans le droit pénal positif moderne*", RSC (Revue de science criminelle et de droit pénal comparé).
- Pires Marques, T. (2015) "*Crime and the Fascist State, 1850–1940*" Studies for the International Society for Cultural History; Routledge.
- Polaino Navarrete, M. (2004) "*Derecho penal parte general*". Tomo I, Fundamentos; científicos del Derecho penal, 5^a ed., Barcelona, Ed. Bosch.
- Poncela, P. (2001) *Droit de la peine*, coll. Thémis Droit privé, 2^{ème} éd., PUF,
- Pradel, J. (1977) "*Introduction générale Droit pénal general*", Tome 1, 1^{ère} éd., Cujas, ۴۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰.
- Pradel, J. (2008), "*Droit pénal compare*", coll. Précis, 3^{ème} éd., Dalloz.
- Preston, Paul. (2006) "*The Spanish Civil War. Reaction, revolution & revenge*". Harper Perennial.
- Punigov A. C. (2007) On the subject of "*penal measures*". Criminal Law : development strategy in XIX century. Moscow.

Robert, J.-H., (1993) " *L'instabilité des qualifications jurisprudentielles et doctrinales des peines secondaires* ", in Mélanges en l'honneur du Professeur Jean Larguier, PUG.

Rodríguez Mira, Carlos Suárez col. (2006) " *Manual de derecho penal (parte general)* ". T. I, 4^a ed. Navarra, Ed. Aranzadi.

Rubio Lara, Pedro Ángel. (2010) " *Las medidas de seguridad tras la reforma de la " LO*, de 22 de Junio.

Schmelck, R. (1965) " *La distinction entre la peine et la mesure de sûreté* ", in La chambre criminelle et sa jurisprudence, Recueil d'études en hommage à la mémoire de Maurice Patin, Cujas.

۱.